

الگوی درمان جامع انطباقی تحولی



عادل کریمی

کارشناس ارشد مشاوره‌ی خانواده



کریمی، عادل، ۱۳۶۰

الگوی درمان جامع انطباقی تحولی/عادل کریمی

سقز: گوتار ۱۳۹۵

ISBN: 978-600-7959-93-0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

موضوع: روان درمانی، روان شناسی بالینی تندرستی

۱۳۹۵: ۸ الف ۴۴/ک ۴۸۰/ RC ۶۱۶/۸۹۱۴

کتابخانه ملی ایران: ۴۳۱۵۸۴۵

■ حق چاپ محفوظ است.

الگوی درمان جامع انطباقی تحولی

عادل کریمی

طرح جلد و صفحه آرای: آزاد سرخی

چاپ اول: ۱۳۶۰

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

انتشارات گوتار

کردستان، سقز، پاساژ ماد، طبقه ۳، واحد ۶

تلفن: ۰۸۷ - ۳۶۲۲۷۰۳۰



فهرست

۷		مقدمه
۱۱		درمان جامع انطباقی تجلی
۱۱		تعریف واژگان
۳۵		اصول ومبانی
۳۷		اهداف
۳۸		ساختار درمان
۵۲		مراجعین چه کسانی هستند؟ ویژگیهای درمانگر
۵۲		فرایند درمان
۵۹		نتیجه گیری
۶۰		مطامعه ی موردی
۷۱		منابع

مقدمه

آیا مشاوره و روان درمانی از یک سلاح گوش دادن فعال گذشته است؟ به صرف اینکه مراجع احساس بهتری پیدا کند می توان آن را نسبی از حل مسأله دانست یا اینکه فرد را تحت تأثیر هیجانی شده و پس از مدتی دوباره ظرف وی از هیجانات ناموشایند اریز خواهد شد؟ نظام های مشاوره و روان درمانی بسیاری برای یاری رساندن به انسانها به وجود آمده اند. کورسینی (۱۹۸۱) ۲۴۰ نظام را نام برده و ۶۵ مورد از آنها را بررسی کرده است (شارف و شارف، ترجمه ۱۳۸۱).

چند مورد از این نظام های روان درمانی بر نجات و چند مورد بر سلامت انسانها هدف گذاری کرده اند؟

روند هدف گذاری از درمان به رشد در حرکت است (گیسون، ۱۳۸۳) تا چه حد این هدف گذاری به نتیجه رسیده است؟ آیا واقعاً یک رویکرد که به تواناییهای انسان باور دارد وی را در مسیر رشد و تعالی قرار داده است؟ این سؤالات وامثال آن ما را به بازبینی تاریخچه ی روان درمانی

و مشاوره می‌کشاند.

در ابتدا الگوی روانپزشکی سنتی حاکم بر مراکز و رویکردهای درمانی بود. روانپزشکان دهه‌های اخیر از الگوی سنتی فاصله گرفته‌اند و سلامت و رشد را جایگزین درمان و نجات نموده‌اند.

هارینگتون روانپزشک مشهور آمریکایی می‌گوید: اگر همه‌ی روانپزشکان (با رویکرد سنتی) به یکباره ناپدید شوند جامعه‌ی بشری خلاء آن‌ها را احساس نخواهد کرد. زیرا در شاد کردن انسانها نقش چندانی نداشته‌اند (تر ۱۹۹۸).

با اهداف یافتی ذهن و روان انسان، دیگر تنها داروهای اعصاب و روان چاره‌ی سر نبست. روان پزشکی نیز به اثر بخشی بیشتر درمانهای ترکیبی (دارو درمانی، روان درمانی) اذعان دارد (DSM.HV.TR ترجمه ۱۳۸۱). این تعدیل در دیدگاه، الگو و کتاب راهنمایی را در کنار دیگر رویکردهای - بعضاً غیر رهنمودی - پیشنهاد می‌کند. گرایش به برجسب زدن و نفی توانایی خودگردانی مراجعین، جایگاه خود را به توانا دانستن فرد و پرهیز از برجسب‌های زیان بار داده است.

با ظهور رویکردهای خانواده درمانی و درمان یکن خانواده درمانی جامعه (گیسون، ۱۳۸۳) و توجه به میدان عملکردی فرد و امکانات محیطی در حل مسأله و بازگشت به مسیر زندگی سالم، کتاب یار، رسانی گسترده‌تر و عینی‌تر را فراهم کرد. با این وجود درمانگران در اتاق مشاوره و فرایند درمان به صورتی عمل می‌کنند که موارد ذیل از اشتباهات آن است.

۱. بر رویکرد - اکثراً - انسجام نیافته‌ی خود جزمی نگر می‌شوند. مراجع با هر سؤال و مسأله‌ای باید پیرو درمانگر باشد.

۲. در عملکرد بر مبنای نظریات التقاطی از مفاهیم، سازه‌ها و تکنیکهای متناقص بهره می‌گیرند.

۳. مراکز مشاوره‌ای - مثلاً در جامعه‌ی ما - به سازمانهای خاصی وابسته‌اند و مراجعین متناسب با آن سازمان به مرکز مراجعه می‌کنند یا ارجاع داده می‌شوند. با این وجود درمانگران به این مسأله بی‌توجه بوده و طبق متون تخصصی و تجربه‌ی ناکافی با مراجعین مشاوره می‌کنند. در حال آنکه با گذشت زمان و مراجعه‌ی قشری خاص به مرکز بایستی الگوی درمان متناسب با نیازها و مسائل و شرایط - بعضاً مشابه - ایشان شکل خاصی به خود گیرد. مثلاً: مراجعین ارجاع داده شده از دادگاه برای مشاوره‌ی زناشویی دیگر از آنجایی که در الگوهای متداول کمتر می‌توانند به حل مسأله نایل آیند.

۴. با توجه به موارد فوق در جامعه‌ی درمان ابهاماتی در سازمان و ساختار جلسات مشاوره وجود دارد. این در مواقع پرتنش مراجع، احتمالاً درمانگر به آزمایش و خطا متوسل می‌شود.

در سال ۲۰۱۲ مشاوره شصتمین سالگرد خود را به عنوان یک حرفه زیر عنوان انجمن مشاوره‌ی آمریکا جشن گرفت. بحث ارائه شده در آن مراسم حاکی از تغییرات بسیار در جامعه و به تبع آن تغییرات مسائل مراجعان در اوایل قرن بیستم و یکم است. نقش‌های در حال عبور زنان و مردان، نوآوری رسانه‌های عمومی، تکنولوژی، فقر و بی‌خانمانی، تیرما و سالخوردگی از جمله موضوعاتی هستند که در آغاز هزاره‌ی سوم توجه مشاوران را به خود جلب کرده است. (گلادینگ، ۲۰۱۳)

برای انسان مدرن با ذهن و روان پیچیده، خانواده‌ی در حال دگرگونی، شغل و روابط اجتماعی پر فشار و جامعه‌ی جهانی در حال تحول که

می‌توان وی را به یک معجون در حال جوشیدن تشبیه کرد، چه راهی مناسب است تا وی را به مسیر سلامت و رشد بازگرداند یا در آن مسیر نگه دارد. پاسخ این است. رویکردی با تعریف همه‌ی عوامل درون روانی، بین فردی، اجتماعی و فرهنگی در فضای زندگی فرد و روشن نمودن سؤال مراجع یا مراجعین در بستر آن به شکل نظام‌دار و انعطاف پذیر. در این نوشتار تلاش می‌شود همه‌ی عوامل الگوی درمانی‌ای به تصویر درآید که ایجاد زندگی بشری و عوامل تشکیل دهنده‌ی آن - هر آنچه که شناختی شده است - جایگزین شوند و به صورت منطقی و کارساز در تعامل با یکدیگر عمل کنند.